

آیا از منظر اسلام چیزی به نام شانس وجود دارد؟

اگر مقصود از شانس تحقق پدیده ای بدون علت است، بی شک در فلسفه اسلامی و بر اساس دلایل قطعی مردود است ولی اگر پرده از روی علل برداشته شود خواهیم دید که هیچ چیز اتفاقی وجود ندارد.



اگر مقصود از شانس تحقق پدیده ای بدون علت است، بی شک در فلسفه اسلامی و بر اساس دلایل قطعی مردود است ولی اگر پرده از روی علل برداشته شود خواهیم دید که هیچ چیز اتفاقی وجود ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، این که مردم می گویند یک نفر شانس دارد یک نفر شانس ندارد به چه معنا است؟ اصلاً چیزی به معنای شانس وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود دارد، چرا بین مردم فرق می کند؟

بخت و شانس از واژه هایی است که گاهی در بین مردم استعمال می شود و بیشتر ریشه در ادبیات و شعر دارد.

این واژه می تواند به دو معنا به کار رود:

۱. تحقق پدیده ای بدون علت:

این معنا؛ از نظر فلسفه مردود است و در جای خود اثبات شده که هر چیزی دارای علت و سبب خاصی است. البته ممکن است این سبب، سببی نیکو و مستحسن نباشد؛ یعنی یک عامل بی عدالتی و یا ظلم، در وجود یک پدیده نقش داشته باشد.

اما بعضی از علل روی آوردن به این گونه واژه ها که نشان از یک تفکر خاص دارد، از این قبیل است:

الف. وجود بی عدالتی های اجتماعی، ظلم و عدم تناسب بین استحقاق و مناصب و مواهب.

ب. وجود روحیه راحت طلبی در میان جامعه و توجیه بهره مندی افراد خاص به شانس و اقبال.

ج. تبلیغات حکومت های جبار که با این گونه واژه ها می خواستند حکومت خود را به شانس و سرنوشت گره بزنند تا جلوی اعتراضات مردم را بگیرند.

در آیات و روایات اسلامی هم هیچ التفاتی به شانس و اقبال نشده و مورد پذیرش قرار نگرفته است.

۲. سرنوشت و مقدرات الهی:

این معنا مورد پذیرش است و به معنای آن است که موفقیت انسان در پرتو عنایت خداوند و تلاش خود انسان میسر است و در این تلاش استعداد و شرایط اجتماعی و محیطی، نقش مهمی دارند و همین است سر تفاوت هایی که در جامعه مشاهده می شود.

اصل واژه «شانس»، فرانسوی و به معنای فرصت است اما در میان مردم شانس عموماً از رویدادی تعبیر می شود که علت آن معلوم نبوده، لذا وقوع آن رویداد به شانس نسبت داده می شود. پس اگر مقصود از شانس تحقق پدیده ای بدون علت است، بی شک در فلسفه اسلامی و بر اساس دلایل قطعی مردود است. [۱] اگر چه ما این علل را نمی شناسیم، ولی اگر پرده از روی علل برداشته شود خواهیم دید که هیچ چیز اتفاقی وجود ندارد.

خوش شانس و بدشانسی بیشتر از آنچه معلول علت های ناشناخته باشد، دستاورد تفکر و اندیشه هر شخص درباره خویشتن است و کسی که به هر دلیل خود را بدشانس می داند، طبیعتاً عملی متناسب با آن بروز می دهد.

البته، گاهی در میان مردم، شانس به مقدرات الهی اطلاق می‌گردد؛ مثلاً به کسی که وضع مالی خوبی دارد و معمولاً در کارهای اقتصادی سود می‌کند می‌گویند خوش شانس است. برای تحلیل این مطلب باید با نگاهی گسترده‌تر به عوامل پدیده‌ها نگریم و علاوه بر فعالیت‌های ظاهری شخص به شرایط روحی و معنوی فرد و حتی تأثیر نسل‌های گذشته و تأثیر دعا و نفرین دیگران در زندگی فرد و دیگر عوامل آشکار و پنهان در همواری یا ناهمواری زندگی توجه نمود، اگر منظور از شانس این معنا باشد، ریشه در روایات و آیات دارد و از نظر دین این مسئله قابل قبول است. [۲]

خداوند می‌فرماید: "خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد ...". [۳]

امام علی (ع) می‌فرماید: "خداوند روزی‌ها را مقدر فرمود و آنها را زیاد و کم به صورت عادلانه تقسیم نمود، تا از این طریق سپاس‌گذاری و شکیبایی توانگر و تهی‌دست را به آزمایش گذارد". [۴]

حال اگر شانس را به معنای منفی آن؛ یعنی بدون علت بودن حادثه‌ها گرفتیم می‌توان گفت: بعضی از علل روی آوردن مردم به استفاده از این گونه‌واره‌ها از این قرار است: ۱. وجود بی‌عدالتی‌های اجتماعی و ظلم و عدم تناسب بین استحقاق و مناصب و مواهب. مردم وقتی این موارد را می‌بینند که دارای علل غیر واقعی است، همه را مربوط به شانس می‌دانند.

۲. وجود روحیه راحت‌طلبی در میان جامعه و توجیه بهره‌مندی افراد خاص به شانس و اقبال، عده‌ای که کمتر به فکر تلاش و سعی در رسیدن به اهدافشان هستند و خواستار زود نتیجه دادن اعمالشان هستند، وقتی که می‌بینند به زودی به بهره‌ای نمی‌رسند، بهره‌مندی دیگران را از مواهب و مناصب با انتساب به شانس و اقبال توجیه می‌کنند. ۳. تبلیغات حکومت‌های جبار نیز در رواج این تفکر در میان مردم نقش دارد، آنان با این گونه توجیهات می‌خواهند به حکومت رسیدن خود و استمرار آن را به سرنوشت و شانس خود گره بزنند تا جلوی اعتراضات و شورش‌های مردمی را بگیرند. [۵]

اما در منطق قرآن تلاش و کوشش انسان برای رسیدن به آمال و نعمت‌های الهی و مادی دارای جایگاه ویژه‌ای است. خداوند می‌فرماید: "براستی خداوند سرنوشت قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، تا آن که آنان آنچه در ضمیرشان هست تغییر دهند". [۶] اما تفاوت فاحش انسان‌ها در بهره‌مندی از این مواهب بستگی به توفیق خداوند، استعدادها، متفاوت، زمینه‌های روحی و اجتماعی متفاوت در افراد و دیگر عوامل مؤثر دارد. البته، چنین نیست که هر کس که بهره‌ای از بهره‌های دنیوی داشته باشد، به خاطر استحقاق او و یا سعی و تلاش و یا به خاطر توفیق خداوند باشد، بلکه ممکن است چه بسا با ظلم و بی‌عدالتی به دست آمده باشد که از نظر دین ناپسند و مردود است. [۷]

پانوشته‌ها؛

[۱] مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ص ۸۰ ۸۳.

[۲] برای آگاهی بیشتر، نک: نقش انسان در بدست آوردن روزی، سؤال ۱۰۷۳۸.

[۳] نحل، ۷۱: "و الله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق".

[۴] نهج البلاغه، خ ۹۱.

[۵] مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۶۲.

[۶] رعد، ۱۱؛ نک: ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص ۴۲۷ ۴۲۶.

[۷] برای آگاهی بیشتر، نک: فلسفه وجود تفاوت‌ها، زشتی‌ها و زیبایی‌ها و هدایت و اضلال، سؤال ۵۳۷۱.

منبع: اسلام کوئست